خوی شهر دارالصفا و زیبایی ها

آذر 15, 1395

نشریه الکترونیکی نگاه- خوی که امروزه مهمترین شهر استان آذربایجان غربی بعد از اورمیه می‌باشد از اهمیت نظامی و تجاری ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای آثار تاریخی متعددی است. خوی در قرن سیزدهم به علت زیبایی شهر و وجود باغات سبز و روح‌افزا و کثرت مناظر دلربا و چمنها به لقب دارالصفا و بعد از آن به دارالمؤمنین مشهور بوده است. شهر خوی از قدیمترین شهرهای آذربایجان است و بدین سبب در متون تاریخی سلجوقی بنام ترکستان ایران نامیده شده است.

این شهر اولین شهر استان آذربایجان غربی از نظر وسعت و دومین شهر از بعد جمعیت و نفوس است.خوی یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن در شمال غرب ایران و کانون بسیاری از حوادث تاریخی بوده است. خوی به‌دلیل واقع شدن در مسیر **جاده ابریشم** و جاده تجارتی شرق و غرب، مورد بازدید بسیاری

از جهانگردان و ایرانشناسان واقع شده‌است. از منابع تاریخی و سفرنامه‌ها از جمله سفرنامه ناصرخسرو مطالب قابل توجهی درباره‌ٔ خوی بدست می‌آید. زبان رایج در میان مردم خوی ترکی آذربایجانی است.

شهر خوي كه نام باستاني پهلوي آن گواه ديرينگي تمدن در آن است، در زير پاي رشته كوههاي سر به فلك كشيده » اورين « قرار دارد، نام اين كوه هم از زبان پهلوي و منسوب به » اور « صورت كهنه ابراست.در سايه همين كوه است كه جلگه خوي بعد از كرانه هاي درياي خزر پرباران ترين مناطق ايران است و به همين سبب از كهن ترين روزگاران آباد و مسكون بوده است.

ويژگي ديگر رشته كوههاي اورين اين است كه همواره مرزگاه طبيعي اقوام ساكن دو سوي آن بوده و شهر خوي در كنار آن بيش از هزار سال شاهد جنگ ها و مهاجرت ها و پذيرايي كاروان ها بوده و همچون مرزبان وفاداري در برابر هجوم ها ايستاده و زخم ها خورده است .

آخرين سال هاي طلائي خوي در دوره كريم خان زند بود كه اميران دنبلي)احمد خان و حسين خان(در خوي امارت داشتند و شهرهاي مجاور را تابع خوي كردند و آن را به صورت يكي از شهرهاي مهم و معروف آن

عصر درآوردند. از يك سو با برقراري عدالت اجتماعي و تأمين امنيت كاروان ها و جمع آوري ماليات از شهرهاي مجاور ، اقتصاد خوي را رونق بخشيدند و از ديگر سو با جلب شاعران و اديبان و دانشمندان به اين شهر و حمايت از آن ها يك كانون مهم فرهنگي به وجود آوردند.

شهر خوي بارها از آبادي و رونق و ثروت برخوردار بوده و متون تاريخي از اهميت و اعتبار آن و رفاه مردمش حكايت ها دارند و » زرخوي « ، » ديباي خوي « و » گل سرخوي « مضامين زيبايي در اشعار شاعران پديد آورده است. اما با كوشش مداوم دنبلي ها و عباس ميرزا در آباداني خوي اين شهر به جايي رسيد كه آن را » عروس شهرهاي ايران « ناميدند و در دوره قاجاريه كه هر يك از شهرها لقبي داشتند ، خوي لقب » دارالصفا « يافت. تا عباس ميرزا زنده بود حكومت خوي با او يا با دايي اش اميرخان سردار بود، بعد از آن هم يكي از پسران پادشاه وقت از تهران فرمان حكومت خوي را دريافت مي كرد.

شهر خوی با پیشینه تاریخی طولانی، موقعیت طبیعی و جغرافیایی کم نظیر، ریشه های فرهنگی عمیق، قابلیت های اقتصادی فراوان و جمعیتی روز افزون، در حال حاضر دارای کالبدی در خور ویژگی های مهم است. طی سالیان طولانی، مهمترین مرکز فعالیت و تجارت در سطح فرا منطقه ای بوده و با داشتن بازاری فعال و زنده و در حال رشد از شهرهای مهم شمال استان به شمار رفته و شهرهای ماکو، شوط، سیه چشمه، قره ضیاء الدین، پلدشت سلماس و بخش های مجاور را از لحاظ خدماتی، درمانی، ورزشی و اداری را پوشش می دهد.

خوی قطب اقتصادی مهم کشور

خوی بعنوان شهر مرزی، از مسیر جلفا به نخجوان و ارمنستان می پیوندد. شهرستان خوی تنها راه مرزی نزدیک به کشور ترکیه است و به علت فاصله طولانی سایر بازارچه ها با وان، گشایش مرزی رازی این فاصله را به حداقل رسانده و این مسیر بین المللی و ترانزیتی در مقوله های صادرات و واردات و ارتباط بین شرق و غرب بسیار تاثیرگذار شده است. و به عنوان چهارراهی بسیار معتبر برای اتصال این حلقه بسیار پر اهمیت اقتصادی و حتی اجتماعی است.

خوی به دلیل واقع شدن در مسیر جاده ابریشم مورد بازدید بسیاری از جهانگردان و ایرانشناسان واقع شده است. از منابع تاریخی و

سفرنامه ها از جمله سفرنامه ناصرخسرو مطالب قابل توجهی درباره خوی بدست می آید.

موقعیت اقتصادی و بازرگانی خوی از دیرباز مدنظر بوده است. در عهد پیش از اسلام یعنی از سده های دوم پیش از میلاد تا سده شانزدهم میلادی، شعبه ای از بزرگراه ابریشم که شرق و غرب را بهم وصل می نمود از شهرستان خوی عبور می کرده است و برای خوی موقعیت ممتازی فراهم کرده و این محل را بعنوان یکی از مراکز تجارتی و فرهنگی آذربایجان مطرح ساخته بود.

این جاده تاریخی و قدیمی از دورترین نقطه شرقی چین شروع شده و سرانجام در خوی چندین شاخه شده، شاخه ای از آن از طریق وان به غرب رفته و به دریای مدیترانه منتهی می گشت. شاخه دیگر از طریق جلفا و نخجوان و سرزمینهای قفقاز به اروپا متصل می شد و شاخه ای نیز پس از عبور از پل خاتون بطرف ارومیه و همدان کشیده شده و سرزمینهای جنوبی را به جاده ابریشم وصل می کرد.این راه در بین توده مردم به مکه یولو شهرت داشت.

مرغوبترین آفتابگردان ایران به شهرستان خوی اختصاص دارد. دانه های روغنی آفتابگردان و تخم کدوی خوی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بزرگترین مرکز توزیع اختصاصی تخم آفتابگردان کشور نیز در خوی فعال می باشد.

شهرستان خوی با توجه به طبیعت بسیارزیبا و کوهستانی خود و با دارا بودن بیشترین کندو، قطب اول تولید عسل خالص در سطح کشور می باشد. فرش خوی با ثبت طرح ماهی در فهرست آثار ملی و با دارا بودن پیشینه بسیار غنی بافت فرش در این شهرستان، بعنوان یک محصول صادراتی و یک برند جهانی به شمار می آید.

قرار گرفتن خوی در حساس ترین نقطه جغرافیایی چه از لحاظ ترانزیت بین المللی و چه از نظر تولید محصولات بسیار مطلوب کشاورزی، در شمال غرب کشور آنرا به یک قطب اقتصادی مهم تبدیل شده است.

تنها مسجد روباز در کشور متعلق به دوره ایلخانی در شهرستان خوی

شهرستان خوی از قدیم به سبب تدین مردمش به دارالمومنین معروف بوده و به این دلیل مراکز عبادی فراوانی در این شهرستان به وجود آمده است. این شهرستان بیشترین مساجد تاریخی را در استان آذربایجان غربی در خود جای داده است؛ مساجد حاجی بابا، ملاحسن،

حجتیه، شیخ، سیدالشهدا، داش آغلیان، سلمان خان، ملااحمد، مطلب خان، مسجد قرمز چورس و و مسجد خان از مساجد قدیمی و تاریخی خوی هستند که همه آنها آباد و کانون عبادت مومنان است و معماری بکار رفته در این بناها و آثار مذهبی کهن، منحصر به فرد است.

مسجد مطلب خان در مرکز شهر خوی و در ابتدای خیابان طالقانی در فاصله حدود 30 متری بازار قدیمی شهر قرار دارد. ویژگی‌های معماری این مسجد کم نظیر وبسیار مجذوب کننده است و این ویژگی باعث تمایز این مسجد از دیگر مساجد تاریخی کشور شده است.

ساختمان اولیه مسجد مطلب خان در دوره ایلخانی بنا شده اما پس از تخریب شدن در اوایل دوره قاجار در حدود ۱۲۵۵ هجری قمری به همت مرحوم مطلب خان از نوادگان شیخ بهایی که زرگر مخصوص نایب السطنه عباس میرزا بود مرمت و تجدید بنا شد از این رو به احترام وی نام مسجد به مطلب خان تغییر یافت.

این مسجد شبستان بزرگ روباز مربع شکل دارد که دور تا دور آن را حجره های دو طبقه و شاه نشین های رفیع و ایوانی عظیم احاطه کرده است.

این بنا از داخل به شکل هشت ضلعی است و ایوان هائی در داخل این اضلاع ساخته شده است این مسجد دو طبقه است و به وسیله راهروهایی در چهار گوشه به صورت پله، پله به طبقه دوم راه دارد.
در واقع محراب این مسجد با ۱۲.۵ متر ارتفاع و ایوان آن با ۲۵ متر ارتفاع از بلندترین محراب‌ها و ایوان‌های مساجد در ایران است و بنای کنونی مسجد به ابعاد تقریبی 23×30 متر، در میان دارای صحن روبازی به ابعاد تقریبی 16×16 متر است که در اطراف آن، حجرات دو طبقه، شاه‌نشین‌های رفیع و در وسط آن، حوض سنگی بزرگی قرار دارد و علاوه بر آن در بخش شمالی، شبستانی مستطیل شکل به ابعاد تقریبی 6×10 متر واقع شده است و فضای داخلی گنبد خانه به ابعاد تقریبی 16×16 متر با پوشش بزرگ گنبدی مسقف می شده و در اضلاع داخلی آن، شاه نشین های بزرگ، و در میان ضلع جنوبی، محراب بزرگی قرار دارد.

گنبدهای آجری با منارها و گلدسته‌های بلند، رواق‌ها با ستون‌های سنگی تراشیده و بدون تزئینات، شبستان‌های فراخ و دل گشا با طاق نماهای بزرگ قوسی و محراب‌هایی با گچ بری‌های ساده از مهمترین ویژگی‌های معماری مساجد تاریخی خوی است و تزئین کاشی کاری‌ها با مظاهر معنوی و مفاهیم والای مذهبی در انتخاب رنگ، شکل و فرم در

این مساجد چنان زیبا است که انسان شیفته معنویت را به سوی خود جلب می‌کند و در واقع دریچه ای از شناخت عظمت معماری اسلامی به روی انسان می‌گشاید.

غار علی شیخ طولانی ترین غار در آذربایجان غربی

منطقه علی‌شیخ در محدوده اقلیمی مدیترانه ای سرد قرار گرفته که متوسط دمای سالانه آن 5/7 درجه سانتیگراد و متوسط بارندگی سالانه آن 350 میلیمتر است.

ازسال تاسیس روستا اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی قدمت آن بر اساس اطلاعات موجود در کتاب تاریخ خوی (نوشته دکتر محمد امین ریاحی) به نام محال سکمن آباد به سه هزار سال می رسد. براساس اطلاعات شفاهی، دو برادر به نام های حاج عباس بیک و شرف خان بیگ یکی علی شیخ و دیگری زورآباد (زرآبادفعلی) را ساخته اند و الان هم مرز بین این دو آبادی محلی است که به زبان محلی مالاباس (ملا عباس) می گویند..

در روستای علی شیخ سه زیارت گاه به نام های شیرسوار (به زبان محلی شله سووار)، سبد نقی آقا (موسوی) و قره داش وجود دارد اما مهم ترین مکان جذب گردشگر در کل منطقه صفائیه، غار علی شیخ می باشد که تقریباً در فاصله 1.5کیلومتری شمال علی شیخ واقع شده است . به این غار در زبان محلی (دیبسیز کوهول) یعنی غار بی انتها می گویند. این غار با دو ورودی در مسیر علی شیخ به روستای دنبکی و بین کوه جابا و چراگاه قره آغل قرار دارد

همانند تمام شهرها و روستا های نزدیک به مرز، به دلیل نبود کارخانجات صنایع تبدیلی و یا اکتشاف معدن، وضعیت اشتغال در روستای علی شیخ خوب نیست و خیلی از تحصیل کرده ها بیکار می باشند و چاره ای جز مهاجرت ندارند و همین امر در صورت تداوم، باعث خالی شدن روستاها از سکنه و هجوم آن ها به شهرها می شود و در نهایت مشکلات شهرها هم روز بروز بیش تر می شود. ایجاد کارگاه ها و کارخانجات کوچک صنایع دستی و تبدیلی و کارخانجات آب معدنی می تواند به رفع بیکاری کمک نماید.

عسل علی شیخ بسیار معروف بوده است. تولیدات گندم، تخمه آفتابگردان و تخمه کدو و انواع علوفه دام، سیب و آلبالو در این روستا به مقدار کافی وجود دارد ولی از آمار عددی آن ها اطلاعاتی دردست نیست .

غار " علي شيخ " در اين منطقه از جاذبه هاي طبيعي آذربايجان غربي است كه در 48 كيلومتري خوي و يک كيلومتري روستايي به همين نام قرار دارد .تالارهاي سنگي ، دالان هاي زنبوري شكل ، دو دهانه بزرگ و كوچک ورودي و قنديل هاي سنگي از جمله مناظر ديدني اين غار طولاني است.

در غار علی شیخ چندین نوع خفاش وجود دارد که نکته جالب در مورد خفاشها این است که همه این خفاشها در محل خاصی از غار که یک تالار بزرگ می‌باشد جمع شده اند و در آنجا زندگی می‌کنند این تالار به دلیل وجود این خفاشها به نام تالار خفاشها نامگذاری شده است.در درون غار تکه های سفالهای شکسته به فراوانی یافت می‌شود. همچنین استخوانهای انسان و حیوانات در درون غار به همراه یک استخوان جمجمه سر انسان در غار وجود دارند.

ویژگی شیب منطقه بیانگر آن است که سطوح کم شیب غالباً در امتداد دره قرار گرفته اند که روستا و مزارع باغات در آن توسعه یافته اند و در محدوده غار شیبهای غالب بین 15 تا 50 درصد قرار دارند.

غار از نوع طبیعی و از غارهای کارستی (بنا به اظهارات بعضی از افراد درون غار آب هم وجود دارد ولی تا به حال آبی مشاهده نشده است برای پیمایش با توجه به نوع پیمایش وسایلی مورد نیاز است که برای یک پیمایش معمولی که حدود 3 ساعت طول میکشد همراه داشتن چراغ قوه و باطری و داشتن لباس و کفش مناسب الزامی است.

اگر صنعت توريسم در اين شهرستان احيا شود زمينه هاي اشتغال براي جوانان جوياي كار و زمينه براي سرمايه گذاري سرمايه گذاران فراهم خواهد شد.

ریشه کلمه خوی

نام شهر خوی، کلمه ای ترکی است. در زیر به برخی از نظریه های گوناگونی که در ریشه شناسی این نام ترکی مطرح شده اند اشاره می گردد

کلمه "خوی" فرم باستانی کلمه "قوی Quy, Qoy" در ترکی قدیم است که مفهوم "چوخور" (سرزمین پست) را می رساند. در دیوان لغات ترک، "قوی" به معنی دره، بستر و بخش مسطح دره، وادی بزرگ و گود بین دو کوه و ته آمده است. همریشه با کلمات "قویتو Quytu " و "قویاق Qoyaq ".

-قویاق Qoyak: به معنی وادی بزرگ و گود بین دو کوه، گودی طبیعی ایجاد شده بین کوهها و صخره ها، گودی طویلی که در دشتها توسط برکه های آب ایجاد می شود است.

-قویتوQuytu : رد کلمه باستانی ترکی "خوی-قوی" را در واژه "قویتو Qoytu – Quytu" که مرکب از کلمه "قوی" به علاوه پسوند "-تو" می باشد نیز می توان مشاهده نمود. در لغتنامه ائتیمولوژیک ترکی در مقابل کلمه قویتو Kuytu گفته می شود: "چوخور یئر çukur yer، گونه ش آلمایان یئر، کؤلگه (ترجمه: جای پست، محلی که آفتاب نمی گیرد، سایه). کلمه کویتوKuytu در ترکی عثمانی و ترکی مدرن ترکیه به معنی جای خلوت، محلی دور از چشم، محافظه شده از باد، است. ظاهرا این کلمه با واژه "قویتو" مغولی به معنی پشت، عقب، شمال و واژه "کوزKüz " ترکی به معنی محلی که آفتاب نمی گیرد در ارتباط است. پسوند –تی، -تو، پسوند اسم ساز از اسم بوده و در ترکی آناتولیائی قدیم به شکل –دو موجود است (ائلتیElti ، قویتو Koytu، تورتوTortu ، اکتی Ekti، پیرتیPırtı ، پینتیPinti). این پسوند تصغیر و تخفیف در ترکیب با واژگان تقلیدی که به –یر، -ور، -یل، -ول و … ختم می شوند بسیار فعال است: فیسیلتی، زونقولتو، فیشیرتی، اینیلتی (ترکی آناتولیائی قدیم).

وجه تسمیه «خوی»

1. ارامنه در اوایل قرن بیستم میلادی نیز برای رسیدن به اهداف شان مانند بسیاری از اسامی جغرافیایی آذربایجان، خوی را کلمه‌ای ارمنی می دانند به معنی قوچ. البته پاسخ آنها را جناب مهدی آقاسی در تاریخ خوی داده اند . چرا که خود ارامنه این شهر را در طول تاریخ «هیر» نامیده‌اند و همین مؤید این مطلب است که واژه «خوی» ریشه در زبان ارمنی ندارد، چرا که اگر داشت لااقل باید خودشان آن را به کار می‌بردند.
2. دستگاه رسمی دولتی در دوران پهلویها و جناب آقاسی مؤلف کتاب ارزشمند «تاریخ خوی» ریشه این کلمه را در زبان پهلوی، فارسی و کردی جستجو کرده اند و عنوان نموده اند که خوی واژه ای است به معنی نمک. حال آنکه صرف وجود کلمه ای مشابه «خوی» در زبان فارسی دلیل آن نمی‌شود که ما ریشه نام شهر خوی را از آن بدانیم. بلکه باید این واقعیت با سایر واقعیتهای منطقه ای نیز همخوانی داشته باشد. (توجه شود که

در سطح کره خاکی نقاط متعددی وجود دارند که نام آنها تشابه لفظی با نام خوی دارد، حال آنکه هیچ ارتباط و پیوند تاریخی ـ فرهنگی مابین آنها و خوی وجود ندارد.) اینکه آیا ملل فارس زبان و کرد زبان در برهه ای از تاریخ در این سرزمین سکونت داشته اند که اینجا را با نامی منبعث از زبان خود نام دهند، مساله ای است که تا به حال از سوی مورخین بی‌غرض تایید نشده است. درست است که زبان فارسی از قرون پنجم و ششم در آذربایجان در کنار زبان عربی به عنوان زبان ادبی به کار گرفته شده است، ولی این بدان معنی نیست که مردم آذربایجان نیز به زبان فارسی و یا یکی از منشعبات آن ـ مثلاً کردی ـ سخن می گفته اند. مساله دیگر آنکه همان واژه ای که در زبان فارسی معنی نمک می دهد و در شاهنامه فردوسی نیز با مفهوم عرق تن آمده است در اصل دارای تلفظی شبیه خَی khayاست نه khoy و بعدها در سده های اخیر به صورت خوی khoy تلفظ می شود.

3. مساله دیگر آنکه حتی امروزه نیز نام مکانی را نمی توان یافت که «نمک» و یا هم معنی آن باشد. شاید بتوان اسامی مرکبی را یافت که واژه نمک و دوز و سلت و ملح و … در آنها باشند ولی اینکه نام یک منطقه جغرافیایی را فقط «نمک» یا معادل آن بگذارند امری بعید و بی‌بنیان به نظر می رسد.
4. ریشه‌یابی نام خوی در واژه فارسی ـ پهلوی «خَی khay » چنان بی‌اساس بود که جناب دکتر محمدامین ریاحی مؤلف محترم کتاب «تاریخ خوی» در کتاب خود زیاد بر روی آن اصرار نورزید و به دنبال پیشنهاد و جایگزین بهتری گردید.
5. جناب آقای صدرایی خویی در کتاب سیمای خوی نیز پیشنهاد دیگری برای ریشه یابی کلمه خوی ارائه دادند و آن این بود که آن را مأخوذ از کلمه «قویون ـ قوی» ـ در ترکی معنی میش و گوسفند می‌دهد ـ دانستند که با توجه به ترک تبار و ترک زبان بودن مردم شهر خوی پیشنهاد جالبی بود.
6. منتهی ذکر نام خوی از همان سالهای آغازین دوره اسلامی به همین شکل فعلی آدمی را بر این می دارد که ریشه کلمه خوی را در زبانهای مرده قبل از میلاد جستجو کند. کاری که دکتر ریاحی و بعدها جناب نصیری ـ در کتاب خوی در گذر زمان ـ بر روی آن کار کردند، هر چند که به نتیجه قطعی نرسیدند.
7. ذکر واژه «اولخو» و «حویه‌وه» در سال‌نوشته‌های آشوری، نیز «حویله» در کتاب مقدس و مطابقت تقریبی محل آنها با همین شهر و منطقه خوی لااقل نشان دهنده این است که باید برای نام

خوی ریشه یابی دقیقی صورت گیرد. در کتاب «خوی در گذر زمان» گرچه در حدود 12 صفحه در مورد نام خوی بحث شده است ولی با وجود مطالب زیبا و کارآمد در نهایت برای واژه خوی معنای مستقلی عنوان نشده است. این هم چندان دور از انتظار نبوده است. چرا که تا زمانی که کاوشهای باستان شناسی در منطقه ما صورت نگیرد و آثار مکتوب از آن دوران به دست نیاید و زباندانانی بی طرف به مطالعه آنها ننشینند همچنان نام خوی در هاله‌ای از ابهام خواهد ماند. (چنانکه کسروی نیز به این موضوع وقوف داشته است.)

8. چندی پیش جزوه ای منتشر شد که در گوشه ای از آن در مورد وجه تسمیه خوی مطلب تازه ای نوشته شده بود. اینکه کلمه «خوی» مفهوم «چوخور» را می رسانَد و این با صفتی که همگی‌مان برای این منطقه به کار می بریم همخوانی دارد. خویی ها خوی را «خوی چوخورو» می نامند معنی آن نیز دشتی است که از مناطق همجوار پایین تر است. با پرس و جو معلوم شد که گویا در زبان سومری ـ که به عنوان اولین بانیان تمدن بشری و نیز اجداد ترکان امروزی شناخته می شوند ـ این واژه وجود دارد و به این معنی به کار می رفته است.
9. از سوی دیگر ما با دو اسم مشابه به لفظ «خوی» نیز مواجهیم: یکی «خییوو» (نام اصلی شهر مشکین شهر) و دیگر «خیوه» (در ترکستان ـ ازبکستان) جالب آنجاست که آخرین یافته های دانشمندان باستان شناس و مورخین نشان می‌دهد که اقوام سومری از آسیای میانه (ترکستان) با گذر از سرزمین آذربایجان به منطقه بین النهرین رفته اند و در طول این مدت مهاجرت، سالها در آذرباجان رحل اقامت افکنده اند و بسیاری از آنها نیز برای همیشه در آذربایجان ماندگار شده‌اند.

با در نظر گرفتن اینکه منطقه تمدن خیز «آراتتا» ـ مذکور در کتیبه های سومری ـ با منطقه خوی و کلاً غرب آذربایجان و شرق آنادولو منطبق می شود، احتمال اینکه نام «خوی» یک کلمه سومری (پروتو ترکی) به معنی سرزمین و دشت کم ارتفاع و پست بوده باشد زیاد است.

اما در مورد اجداد خویی ها و آذربایجانی ها و ساکنان اولیه این سرزمین نیز اشاره داشته اید به نام قوم «ماد». ولی این نیز با حقایق تاریخی همخوانی ندارد. متاسفانه در دوره پهلوی و به تبع آن بعد از آنها نیز اینگونه عنوان می شد که گویا تاریخ این سرزمین از 2500 سال پیش و با حضور اقوام به اصطلاح آریایی شروع می شود و

چنین قلمداد می گشت که این سرزمین قبل از این تاریخ دارای تمدنی در خور توجه نبوده است. حال آنکه تحقیقات دامنه دار مورخین بی غرض و در راس آنها مرحوم پروفسور زهتابی حقایق بسیاری را روشن ساخت. بر این اساس قبل از حضور و شکل گیری اقوام ماد ـ که انتساب آنها به اقوام به اصطلاح آریایی نیز پایه و بنیان درستی ندارد ـ در سرزمین آذربایجان اقوام متمدن و دوران سازی چون هیتی‌ها، هوررى ها، قوتتی ها، لولوبی ها، اورارتوها و ماننا‌ها زندگی و حکومت می کرده اند و امروزه در آذربایجان هر جا را می کنند فقط و فقط نشانه از تمدن آنها می یابند و بس.

لذا باید اذعان کرد که سرزمین آذربایجان و خوی به عنوان گوشه ای از آن دارای تاریخی بیش از هفت هزار سال است و باید با افتخار و غرور اضافه کرد که اجداد آذربایجانیان امروزی در شکل گیری و رشد تمدن های نامدار جهانی سهم بسزایی داشته اند که این نقش به مرور زمان و با کشفیات جدیدتر روز به روز عیان‌تر می شود.

فاطمه صمدزاده